

فرهنگ‌سازی برای افزایش سهم ایران در تجارت جهانی ضروری است

اشاره:

افت سهم کشورهای درحال توسعه در تجارت جهانی و گسترش روزافزون سهم کشورهای پیشرفته در آن، موجبات بروز اختلافات شدید درآمدی میان این دو گروه از کشورها شده، به گونه‌ای که اکثر کشورهای درحال توسعه در مجامع اقتصادی - تجاری بین‌المللی همواره از این معضل شکایت و انتقاد دارند.

آنچه مسلم است بخشی از تنزل سهم کشورهای درحال توسعه در تجارت بین‌المللی از ماهیت کالاهای صادراتی سنتی، مواد خام و پایین قیمت آنها ناشی شده، اما بخش مهم‌تر آن از رشد واردات این گروه کشورها از کشورهای پیشرفته نشأت گرفته است. کالاهای وارداتی کشورهای روبه‌رشد از جهان توسعه‌یافته از کالاهای ساخته شده صنعتی، ماشین‌آلات تا مواد غذایی را دربرمی‌گیرد.

با این وصف اختلاف میان شمال و جنوب هر روز بیشتر می‌شود. اما یگانه راه خارج شدن از این روند نامتعادل برای کشورهای درحال توسعه، تنوع‌بخشی به صادرات و حرکت از صدور کالاهای سنتی به صنعتی می‌باشد. همزمان با مسیر صنعتی شدن، فرهنگ‌سازی در جوامع روبه‌رشد برای گسترش صادرات اهمیت بسزایی دارد که موضوع گزارش حاضر به قلم خانم **لیدا گلگون** کارشناس اقتصادی می‌باشد. با هم این گزارش را می‌خوانیم.

سهم کشورهای درحال توسعه در تجارت جهانی

بر مبنای گزارش‌های منتشره از سوی منابع مالی بین‌المللی، نرخ رشد تجارت جهانی در سال‌های اخیر از نرخ رشد اقتصادی جهان فراتر رفته است. حجم مبادلات تجارت جهانی اکنون سالانه بیش از ۶ تریلیون دلار می‌باشد، در حالی که بخش ناچیزی از آن مربوط به کشورهای درحال توسعه است.

رقابت فشرده در بازارهای جهانی سبب شده که کشورها به تلاش و تکاپوی فراوان برای افزایش سهم خود در تجارت بین‌المللی روی آورند، زیرا که دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی پایدار، گریز از رویارویی با بحران‌های اقتصادی (به‌ویژه رکود)، ایجاد اشتغال و رفاه برای مردم و افزایش درآمد ملی و درآمد سرانه در گرو

حرکت اقتصاد کشورها به سوی اقتصاد جهانی و بهره‌گیری از بازارهای بین‌المللی برای عرضه کالاها و خدمات تولیدی است.

آن گروه از کشورها که بتوانند سهم خود را در صحنه رقابت جهانی، روزبه‌روز افزایش دهند، در نتیجه قادر خواهند بود که از رشدی متعادل برخوردار شده و چرخه تولید و تجارت را همواره در حرکت و سودآوری نگه دارند. این گونه کشورها از جرگه کشورهای صادرکننده مواد خام و کالاهای سنتی گذشته‌اند و به صادرکنندگان محصولات صنعتی با ارزش افزوده بیشتر، تبدیل شده‌اند. در این روند آنها مراحل توسعه اقتصادی را طی کرده و به مرحله بلوغ اقتصادی نزدیک شده‌اند. در مقابل کشورهای روبه‌رشدی که هنوز به تولید و

تجارت کالاهای سنتی و مواد خام می‌پردازند و بسیاری از آنها درآمد ارزیشان وابسته به صدور یک یا دو ماده خام می‌باشد، هنوز نتوانسته‌اند مسیر توسعه اقتصادی را طی کنند و به تنوع صادرات و کمک به رشد درآمدهای ارزی از منابع مختلف بپردازند. این گروه کشورها، اقتصادی به شدت آسیب‌پذیر دارند و با تغییر قیمت مواد خام صادراتی‌شان در بازارهای بین‌المللی دچار نوسانات شدید در درون اقتصادشان می‌شوند.

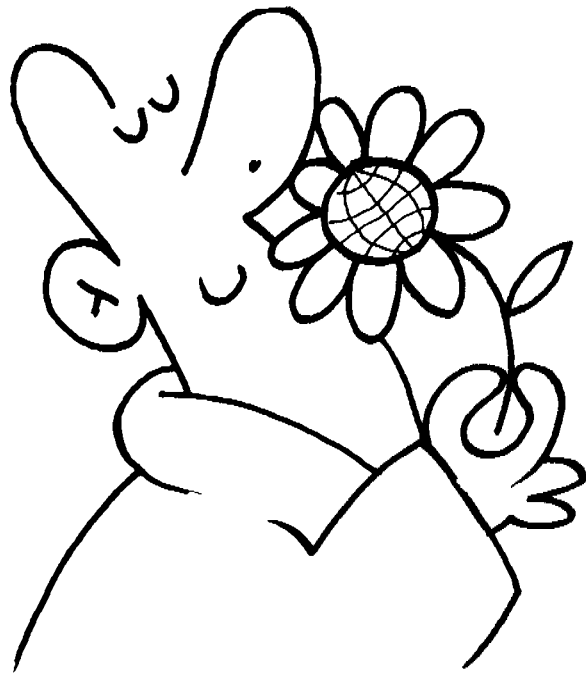
متأسفانه هنوز شمار بسیاری از کشورهای جهان که در جرگه کشورهای روبه‌رشد قرار دارند، اقتصادی این‌گونه دارند و تحت‌تأثیر نوسانات قیمت مواد خام در بازارهای جهانی، در برنامه‌های عمرانی و توسعه‌ای خود ناچار به تغییر و

درآمدهای نفتی، اوپک مجبور به تجدیدنظر در سیاست خود، رها نمودن سیاست کسب سهم بیشتر در بازار جهانی نفت و سهمیه‌بندی تولید برای ثبات بخشی به بازار نفت، افزایش قیمت آن و دفاع از منافع خود شد.

لذا می‌توان گفت کشورهای درحال توسعه که با مشکل افزایش جمعیت و رشد تقاضای داخلی نیز روبرو می‌باشند، از یک سو تحت تصمیم‌گیری‌ها و فشارهای خارجی قرار دارند و از سوی دیگر سازمان‌های اقتصادی بین این کشورها از کارایی کافی برای دفاع از حقوقشان در تجارت جهانی بهره‌مند نمی‌باشند. در نتیجه به نظر می‌رسد که کشورهای خواهان رشد و توسعه اقتصادی سریع در میان گروه کشورهای درحال توسعه باید به دو نکته اساسی توجه داشته باشند. اول آنکه در قالب تشکل‌های فردی به دفاع از حقوق گرومی در مجامع بین‌المللی روی آورند و با یکپارچگی، همکاری و هماهنگی تلاش کنند که از منافعشان دفاع نمایند. دوم آنکه در درون اقتصاد خود به تجدید ساختار و تغییرات اساسی برای دستیابی به رشد سریع‌تر اقتصادی دست بزنند. انجام اصلاحات ساختاری با توجه به افزایش سهم در تجارت جهانی (به عبارت بهتر رشد مستمر درآمدهای ارزی ناشی از صادرات کالاهای متنوع) می‌بایست از اهداف ملی این کشورها به‌شمار آید.

سهم ایران در تجارت جهانی

اقتصاد ایران در نیم قرن اخیر به شدت به درآمدهای حاصل از صادرات نفت خام وابسته شده است. افزایش قیمت نفت در اوایل دهه ۱۳۵۰ سبب شد که وابستگی اقتصاد کشور به ارز حاصل از صادرات نفت خام روزبه‌روز بیشتر شود و به جای توجه به سرمایه‌گذاری در ساختار اقتصاد ملی و بهبود بنیان‌های اقتصادی برای رشد



می‌کنند و از سوی دیگر کشورهای درحال توسعه حتی در قالب اتحادیه‌ها و سازمان‌های بین‌المللی قادر به ایجاد وحدت نظر و حمایت از حقوقشان نمی‌باشند.

برای مثال در اواسط دهه گذشته در سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک) که به ظاهر قوی‌ترین و مهم‌ترین سازمان اقتصادی در بین کشورهای درحال رشد می‌باشد، با راه‌اندازی جنگ قیمت‌ها برای کسب سهم بیشتر در بازار جهانی، عملاً به زیان خود عمل کرد و حتی توانست سهم خود را در تجارت جهانی نفت افزایش دهد. تولید نفت خام کشورهای عضو اوپک در سال ۱۹۹۶ به ۲۸/۲ میلیون بشکه در روز رسید که حدود ۴۱ درصد تولید جهانی نفت (به میزان ۶۹/۷ میلیون بشکه در روز) بود. در حالی که اوپک به‌تنهایی بیش از دو سوم ذخایر جهانی نفت را در اختیار دارد. تلاش‌های اوپک برای افزایش سهم در بازار جهانی نفت، منجر به رشد تولید و صادرات نفت این کشورها و سقوط قیمت‌های نفت به کمتر از ۸ دلار در هر بشکه در سال ۱۹۸۶ شد. به‌گونه‌ای که برای مقابله با آثار منفی و تخریبی کاهش

دخل و تصرف می‌شوند. فشارهای بیرونی سبب می‌شود که فرآیند توسعه اقتصادی و نیز زندگی مردم در این کشورها دستخوش نوسانات شدید گردد، به‌گونه‌ای که برنامه‌ریزی درازمدت توسعه اقتصادی را ناممکن می‌سازد.

قدر مسلم آن است که جهان در حال توسعه برای تغییر این فرآیند زیانبخش برای اقتصاد جهان و گروه کشورهای درحال رشد، نیازمند ایجاد تحولات اساسی در نظام تجارت بین‌المللی برای مقابله با سیر نزولی بهای مواد اولیه و کالاهای سنتی در بازارهای جهانی و نیز تجدیدنظر در برنامه‌های توسعه اقتصادی خود برای دستیابی به رشد صادرات و تنوع صادرات می‌باشد.

در شرایط کنونی جهان ایجاد تحولی اساسی در نظام تجارت بین‌المللی به نفع کشورهای درحال توسعه، چندان آسان به‌نظر نمی‌رسد. زیرا از یک سو شرکت‌های فراملیتی از توان اقتصادی عظیمی برای تصمیم‌گیری و اعمال نظر در روند قیمت‌های کالاها و مواد خام در بازارهای بین‌المللی برخوردار شده‌اند و از این توان در جهت حفظ منافع خود و تداوم بهره‌گیری از تجارت استفاده

○ تلاش‌های به‌عمل آمده در دو دهه افیر برای بهبود ساختار اقتصادی، تسریع رشد تولید ملی و صادرات غیرنفتی، هنوز ثمرات قابل‌توجهی نداشته است و افزایش تقاضای داخلی در اثر رشد جمعیت بخش قابل‌ملاحظه‌ای از درآمدهای ارزی را بلعیده است.

نیز صرفه‌جویی در مصرف از اهمیت فزاینده‌ای برخوردار است.

در فرهنگ اسلامی، قناعت و صرفه‌جویی و پرهیز از اسراف و نیز افراط و تفریط از سوی رهبران دینی همواره تأکید شده است. پیامبر گرامی اسلام و ائمه اطهار و نیز علمای دین همواره بر مصرف صحیح کالاها، قناعت و صرفه‌جویی در زندگی، ساده‌زیستی و پرهیز از تجمل‌گرایی و... تأکید دارند، اما متأسفانه این توصیه‌های مفید برای رشد و توسعه اقتصادی در دو دهه اخیر همچنان جدی گرفته نشده است و تأثیر نامطلوب مصرف‌گرایی و تجمل‌گرایی با کاهش درآمدهای نفتی در سال‌های اخیر (به‌ویژه در یک سال و نیم گذشته) بر رشد و توسعه اقتصادی کشور کاملاً قابل لمس می‌باشد.

هنوز بخش قابل توجهی از منابع ارزی کشور صرف واردات کالاهای لوکس و غیرضروری مصرفی (به‌صورت رسمی و غیررسمی) می‌شود و منابعی که می‌تواند

آرمان اقتصادی نیازمند بازنگری در سیاست‌های اقتصادی کلان کشور، بازرگانی خارجی با تمرکز بر رشد صادرات غیرنفتی و نیز ایجاد تحول فکری و فرهنگی در جامعه برای ارزش نهادن به تجارت و صادرات می‌باشد.

متأسفانه در سال‌های اخیر بروز نوسانات در عرضه کالاها در بازار داخلی همواره گریبان صادرات را گرفته است. بروز هرگونه کمبود در عرضه محصولات در بازار داخلی با تهدید صادرات و از دست دادن فرصت‌های ارزشمند تجاری جبران شده است که این خود نیازمند

بازنگری در سیاست‌های بازرگانی داخلی و خارجی است.

رشد مصرف‌گرایی در میان توده‌های مردم و بسی توجهی به صادرات کالاهای غیرنفتی سبب شده است که سیاست‌های تجاری از اهداف اصلی خود دور شود. در حالی که فرهنگ‌سازی در جامعه در زمینه کار و تلاش در عرصه تولید و تجارت و

تولید ملی و افزایش سهم ایران در تجارت جهانی، واردات کالاهای مصرفی مدنظر قرار گرفت.

تلاش‌های به‌عمل آمده در دو دهه اخیر برای بهبود ساختار اقتصادی کشور، تسریع رشد تولید ملی و صادرات غیرنفتی نیز هنوز ثمرات قابل توجهی دربر نداشته است. رشد سریع جمعیت ایران در دهه گذشته و تأمین نیازهای آن، بخش قابل توجهی از درآمدهای ارزی کشور را بلعیده است و منابع سرمایه‌گذاری در طرح‌های اقتصادی پربازده را محدود نموده است. ایران با داشتن یک درصد جمعیت جهان، هنوز نتوانسته است سهم خود را در تجارت جهانی به یک درصد برساند. سهم ایران در تجارت جهانی براساس آمارهای منتشره از سوی منابع رسمی در حدود ۰/۳۴ درصد می‌باشد.

گرفتاری‌های ناشی از وابستگی اقتصاد کشور به درآمدهای حاصل از صادرات نفت، موجب شده که نوسان‌های اقتصادی بسیاری در ایران تحت تأثیر عوامل خارجی بروز کند. البته در این جریان، فشارهای سیاسی - اقتصادی استکبار جهانی به صورت تحریم‌های اقتصادی، جنگ تحمیلی و نظایر آن نیز بر این مشکلات افزود.

با این حال برنامه‌ریزان اقتصاد ایران تلاش برای دستیابی به سهم بیشتر در تجارت جهانی را رها نکرده‌اند. تحقق این



شرکت خدمات ماشینی کشتیرانی
(وابسته به کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران)

- ارایه خدمات آموزشی (سخت افزار و نرم افزار)
- ارایه خدمات مهندسی سیستم
- ارایه خدمات مهندسی سیستم‌های کاربردی
- ارایه خدمات مهندسی سخت افزار

- ارایه خدمات ماشینی پشتیبانی و مشاع
- ارایه خدمات اجرای سیستم
- ارایه خدمات مهندسی امور مشتریان و فروش
- ارایه خدمات مهندسی ارتباطات داده‌ها

نشانی:

خیابان کریمخان زند، تقاطع آبان شمالی

کوچه آبگان، شماره ۱۳

سندوق پستی: ۱۳۵۳-۱۵۸۷۵

تلفن: ۸۹۰۸۸۴۰-۹۸۰۲۸۸

دورنگار: ۸۸۹۳۵۰۲

تلکس: SCSCIR ۲۲۳۸۷۲



در ساختار اقتصادی سرمایه‌گذاری شود و کار و درآمد بیشتر (در صحنه فردی و اجتماعی) را سبب شود، صرف ورود کالاهایی می‌شود که در آینده اقتصادی کشور هیچ تأثیری ندارند.

فرهنگ‌سازی در جامعه در زمینه ارزش نهادن به کار و خلاقیت نیروی انسانی به‌ویژه برای آینده‌سازان کشور ضروری است. نسل جوان باید یاد بگیرد که با امکانات اقتصادی تولیدی خود زندگی کند. اتکاء به واردات را رها سازد و از تجمل‌گرایی و مصرف‌زدگی که شعار زندگی غربی برای رشد سهمش در تجارت بین‌المللی است، فاصله بگیرد.

البته علمای دین هرگز تحمل فقر و فشار در زندگی را توصیه نکرده و نمی‌کنند، اما مصرف می‌بایست الگوی صحیح داشته باشد و از اسراف و تبذیر به شدت پرهیز گردد تا همواره منابعی برای سرمایه‌گذاری در پروژه‌های اقتصادی - اجتماعی - فرهنگی موجود باشد و سرمایه‌گذاری‌های پربازده در بلندمدت که ضامن ایجاد فرصت‌های شغلی، تولید بیشتر و رشد صادرات باشد، مدنظر قرار گیرد.

مسئله دولت به‌تنهایی قادر به حل تمام معضلات اقتصادی نمی‌باشد. هماهنگی، همدلی و همسویی مردم با دولت در جهت پیاده‌سازی برنامه‌های اقتصادی - اجتماعی و تلاش برای تحقق

توده‌های جوان جمعیت کشور بوده و هستیم که می‌بایست در این زمینه تحول فکری - فرهنگی عظیمی را پایه‌گذاری نمود.

آثار نامطلوب اقتصاد وابسته به نفت دست‌کم در زندگی اقشار بسیاری از مردم قابل لمس است. به‌ویژه در سال جاری که کاهش قیمت نفت منجر به تجدیدنظر در بودجه‌های جاری و عمرانی، صرفه‌جویی در واردات، حذف بسیاری از یارانه‌ها برای کاهش بار هزینه‌های دولت و... شده است که آثار مستقیم خود را بر زندگی مردم نشان می‌دهد، گواه بر این ماجراست.

در حال حاضر سرانه صادرات غیرنفتی کشور حدود ۵۰ دلار است، در حالی که سرانه واردات حدود ۲۵۰ دلار می‌باشد. به عبارت دیگر هر ایرانی تنها ۲۰ درصد هزینه‌های ارزی خود را می‌تواند تأمین کند و اگر نفت نباشد، برای تأمین ۸۰ درصد بقیه نیازمند استقراض از منابع جهانی یا دریافت کمک‌های بلاعوض غذایی نیز خواهد بود. این حقایق تکان‌دهنده هنوز در اثر وجود منابع نفت در کشور برای مردم و به‌ویژه نسل جوان کشور قابل لمس نمی‌باشد.

اما منابع نفتی چندان پایدار نیستند و اگر روند کنونی استمرار پیدا کند، جوانان حاضر در میان‌سالی خود شاهد فقر و تنگدستی مردم کشورشان خواهند بود.

○ رقابت فشرده در بازارهای جهانی سبب شده که کشورها برای دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی پایدار، درصدد برآیند که سهمشان را در تجارت بین‌المللی افزایش دهند.

زیرا با رشد کنونی مصرف نفت در داخل و کاهش منابع نفتی، در بیش از دو دهه آینده ایران در جرگه صادرکنندگان نفت

آرمان‌های انقلاب اسلامی ضروری است. متأسفانه در سال‌های اخیر نیز شاهد رشد تجمل‌گرایی و مصرف‌زدگی در میان

باقی نخواهد ماند. بنابراین مصیبتی که در پیش است را باید درک کرد و برای جلوگیری از بروز آن از امروز اندیشه و تکاپو نمود.

کارشناسان بر این عقیده هستند که تا سال ۱۴۰۰ می‌بایست ارزش صادرات ایران برای تأمین نیازهای ارزی جمعیت ۱۰۰ میلیون نفری کشور دست‌کم به ۲۰۰ میلیارد دلار برسد که این رقم ۲۰ برابر ارزش صادرات کشور (نفت و کالاهای غیرنفتی) در حال حاضر می‌باشد. با این وصف دستیابی به چنین رقمی نمی‌تواند بسیار ساده باشد، به‌ویژه آنکه رقابت در بازارهای بین‌المللی روزه‌روز فشرده‌تر می‌گردد.

کارشناسان به دو مقوله توجه دارند. ابتدا ساده‌زیستی در زندگی و نظارت بر الگوی مصرف، دوم سرمایه‌گذاری در طرح‌های پربازده و صادراتی. به عبارت دیگر می‌بایست برای دستیابی به توازن تجاری از یک سو کف واردات را به نفع کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای تنظیم نمود و از سوی دیگر کف صادرات را در این ترازو به نفع کالاهای غیرنفتی تقویت کرد تا تعادل برقرار گردد.

با این وصف نسل جوان کشور باید بداند که برای دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی پایدار، فرصت‌های شغلی، رفاه اجتماعی و... نیازمند تلاش در عرصه تولید و تجارت است.

مسئولان و برنامه‌ریزان نظام نیز می‌بایست با انجام یک کار فرهنگی عمیق و وسیع، نسل جوان را در بهره‌گیری از زندگی متعادل فردی و اجتماعی هدایت کنند و برتری ارزش کار مولد را در صحنه‌های اجتماعی به نمایش گذارند. سیاست‌گذاری برای افزایش کمی و کیفی تولیدات ملی و نیز تلاش برای راهیابی به بازارهای جهانی را انجام دهد و طرح‌های عملی برای تحقق این اهداف آماده نماید.

